

اسلامبول احبای الهی علیهم بهاء الله

الابهی - هو الابهی

حضرت عبدالهء

نسخه اصل فارسی



اسلامبول احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای یاران مهربان عبدالهء، صبح است و از مقام اعلی روحی لژیته الفداء بحیفا آدمم. شب گذشته را در جوار مقام اعلی بسر بردم و ببرکت آنمقام مقدس شب را نهایت روح و ریجان داشتم از نفحات قدس آن مرقد منور مشام معطر شد و دل و جان مهتر. لهذا بیاد آن احبای روحانی افتادم. و بنگارش این نامه پرداختم با کثرت مشاغل و غوائل جمیع را ترک نموده بیاد روی و خوی احبای جان و دل افتادم. ملاحظه نمائید که چه قدر مهربانم. آن مدینه مدتی مدیده بقدم مبارک مشرف بود و الواح پیاپی نازل. و نفوسی که بساحت اقدس مشرف شدند تلقی بیان مبارک مینمودند.

از جمله شخصی شهیر از ایرانیان بود و مرآده مینمود و این در باطن همدم و همراز سفیر بود. و در امور محل مشورت با او. جمال مبارک با او مدارا میفرمودند. بروی او نیآوردند. ولی شخص معهود گان این مینمود که جمال مبارک واقف بحال پنهان او نیستند. اظهار خلوصی مینمود تا روزی فرمودند من پیامی دارم بحضرت سفیر کبیر ابلاغ نما. و آن اینست بگو شما آنچه توانستید در خون ما کوشیدید و بگانتان میتوانید شجره مبارک را از ریشه براندازید. هیات هیات این شجره مبارک ثابت است و ریشه اش محکم ریشه ئی که بهیچ تیشه قلع و قمع نشود ولو جمیع ملوک عالم بتمام قوت قیام نمایند.



ORIGINAL



AUDIO

ملاحظه کنید که من فرید و وحیدم. ولی منفرداً جمیع ملل و دول عالمرا مقاومت مینمایم. عنقریب این ابرهای تاریک متلاشی گردد و شمس حقیقت بکمال عظمت درخشنده و تابان شود.

بلی میتوانید مرا شهید کنید. و این اعظم موهبت الهی است این شجره مبارکه بخون نشو و نما مینماید.

حضرت اعلی روح العالمین فداه را گمان میکردید که اگر شهید شوند این بنیان بر افتد. هزار گلوله بر صدر مطهرش زدید بعد ملاحظه کردید که امر الله ظهورش بیشتر و نورش تابنده تر گشت. تا آنکه حال باسلامبول رسیده. حال گمان میکنید که اگر بخنجر خنجر بها را ببرید و خون این جمع بریزید این نار موقده الهی خاموش گردد استغفر الله. بلکه کلمه الله بلندتر شود و شمس حقیقت بیشتر جلوه نماید و جمیع عنقریب خائب و خاسر خواهید شد. آنچه از دستتان برآید کوتاهی ننمائید.

ای آقا میرزا این ظلم و عناد و ستم و اعتساف در نزد ما مثل آواز پشه میماند. لهذا اهمیت بعناد و اضطهاد شما نمیدهیم "و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون" ما باسلامبول وارد شدیم. ابدأ اعتنائی نه بشما و نه بدولت عثمانی نمودیم. از همین باید که شما بیدار شوید که اعتماد ما بر قوت و قدرت الهیه است نه مادون آن جمیع ملوک مملوکند و شماها غرق در دریای زیان و خسران. عاقبت خواهید دانست ایران ویران گردد و دولت و ملت بنهایت مشقت افتد. لکن ما ایرانرا روشن نمودیم و ایرانیانرا عزت ابدیه خواستیم هر چند ایران در بین دول الآن کم نام است ولی این امر عظیم. عاقبت اهل ایرانرا سرور عالم امکان کند خلاصه از این قبیل فرمایشات بنهایت شدت فرمودند آن شخص رفت و دیگر نیامد.

حال الحمد لله نفحه ئی در اسلامبول وزیده این نفحه آن دیار را مشگبار نماید احبباء در نهایت ثبوت و استقامت و حکمت باید حرکت کنند منتهای اطمینانرا داشته باشند. امیدوارم که هر یک از احببا چون سراج روشن گردد و تعالیم الهی که روشنائی عالم انسانی است و سبب راحت و آسایش آفرینش بنهایت حکمت انتشار یابد این دریا پر موجست لکن موجش رو باوج. و من شب و روز گریه و زاری نمایم و احببای الهی را عون و عنایت نامتناهی خواهم. و علیکم البهاء الابهی حیفا ۷ ذی الحجه سنة ۱۳۳۴
عبدالبهاء عباس

